



(شهید والا مقام محمد ابراهیم نصیر)

نام پدر: محمدباقر

تاریخ تولد: ۱۳۲۲/۴/۱۸

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۹/۱۹

محل شهادت: جاده مهران - دهلران

مسئولیت: نیروی گشت و شناسایی

محل خاکسپاری: تهران، بهشت زهرا، قطعه ۲۷، ردیف ۳۱، شماره ۱ ب

فرازی از وصیتنامه

ان شاء الله در این جهاد مقدس پیروزی از آن رزمندگان اسلام شود و زیارت کربلای امام حسین (ع) نصیبمان گردد. خداوندا ما با خمینی کبیر میثاق بسته ایم و به او وفادار هستیم، زیرا او به اسلام وفادار است. برای طول عمر و سلامتی امام و برای فرج آقا صاحب الزمان و پیروزی اسلام دعا کنید.

(خلاصه ی زندگینامه)

شهید محمدابراهیم نصیر در سال ۱۳۲۲ در خانواده ای مذهبی، در محله ی مسگرآباد تهران متولد شد. تحصیلاتش را تا پایان مقطع ابتدایی ادامه داد و سپس برای تأمین مخارج خانواده، همراه پدر به شغل دامداری مشغول شد. ایشان از ذاکرین اهل بیت بود و عشق و علاقه ی خاصی به ائمه ی اطهار خصوصاً ابا عبدالله الحسین (ع) داشت و در ماه های محرم، صفر و رمضان، در مسجد محل و محل کار، به مداحی اهل بیت عصمت و طهارت می پرداخت. ایشان بعد از تشکیل خانواده، در کارخانه ی خودروسازی وزارت دفاع مشغول به کار شد. در زمان پیروزی انقلاب، همگام با سایر امت حزب الله در راهپیمایی ها و پخش اعلامیه های حضرت امام شرکت می کرد. با توجه به ممنوعیت پخش رساله ی حضرت امام به دستور رژیم پهلوی، رساله ی امام را مطالعه و در محل کارش پخش می کرد و دیگران را نیز به مطالعه ی آن ترغیب می نمود.

با شروع جنگ تحمیلی، برای دفاع از میهن اسلامی عازم جبهه های نبرد حق و باطل شد و هجده ماه مردانه با دشمن غاصب جنگید. در این مدت، چهار بار از طریق صنایع دفاع و دوبار از پایگاه مالک اشتر به مناطق عملیاتی اعزام شد. برادرش نقل می کند: آخرین بار که شهید می خواست به جبهه برود، پدرم گفت هر چه می خواهید محمدابراهیم را ببینید و با او صحبت کنید، چون حالتی روحانی و معنوی در وجودش دیدم که اگر این بار برود شهید می شود. سرانجام، در تاریخ ۱۳۶۴/۹/۱۹، در حالی که از جاده ی مهران - دهلران عبور می کرد، بر اثر اصابت گلوله ی خمپاره به خودروی حامل ایشان، از ناحیه ی جمجمه آسیب دید و به درجه ی رفیع شهادت نایل شد. شایان ذکر است که از این شهید بزرگوار سه پسر و دو دختر به یادگار مانده است و پدر و مادر شهید نیز به رحمت ایزدی پیوسته اند.

ویژگی های اخلاقی؛ مؤمن، شجاع، مسئولیت پذیر، شوخ طبع، دارای اخلاق و رفتار اسلامی و اهل سفرهای زیارتی بود. همچنین، از افراد ضعیف جامعه دستگیری و برای ساخت خانه هایشان به آنها کمک مالی می کرد.

خاطره های به نقل از برادر شهید؛ قبل انقلاب، وقتی سران کشورهای بیگانه به ایران می آمدند، عده ای از کارکنان وزارت دفاع را برای مراسم استقبال و تشریفات می بردند. وقتی انورسادات، رئیس جمهور ملعون مصر، که دست نشاندهی آمریکا بود، برای دیدار محمدرضا شاه به ایران آمد، محمدابراهیم هم در فهرست استقبالندگان قرار گرفت ولی از حضور در گروه تشریفات امتناع کرد؛ از این رو، مورد توبیخ و بازخواست مسئولان قرار گرفت و از وزارت اخراج شد. او بر این عقیده بود که نباید هیچ حرکتی در جهت حمایت از رژیم طاغوتی و آمریکایی پهلوی انجام داد. ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با فراخوان صنایع دفاع، مجدداً به محل کار خود برگشت.

خاطره های به نقل از دوست شهید؛ محمد ابراهیم همیشه، در مسجد محل حضور داشت و از مداحان با اخلاص و مؤمن محل بود. آخرین ماه محرم قبل از شهادتش حدود ۴۰ شب با صدای گرم و دلنشینی در رسای سرور و سالار شهیدان نوحه سرایی می کرد و ضمن دعا برای پیروزی رزمندگان اسلام، شهادت در راه خدا را طلب می کرد.

تا اینکه بعد از اربعین حسینی همان سال رهسپار جبهه های حق علیه باطل شد و الحق که دعایش چه نیکو مستجاب شد و پاداش سالها مداحی و عزاداری برای ابی عبدالله الحسین را گرفت و با سری شکافته به دیدار حق نائل شد.

اینگونه بودند مردان مرد

ساده‌زیست بود و از تجملات دنیایی پرهیز داشت، به اهل بیت پیامبر اکرم (ص) ارادت خالصانه می‌ورزید. از کودکی در مجالس عزاداری اباعبدالله (ع) شرکت می‌کرد و به عنوان مداح اهل بیت معروف بود. او اهل ولایت و اطاعت از اولی الامر بود. در بخشی از وصیت‌نامه‌ی آن شهید گرانقدر آمده است:

«برادران عزیز! مبادا در رختخواب ذلت بمیرید که حسین (ع) در میدان نبرد شهید شد. مبادا در غفلت بمیرید که علی (ع) در محراب عبادت شهید شد و مبادا در بی‌تفاوتی بمیرید که علی اکبر حسین (ع) در راه حسین و با هدف شهید شد.»

زائران کربلا

شهیدان راهیان کوی طورند

زمنزلهای ظلمت در عبورند

چو با پره‌های خونین باز گردند

چو گویی قاصدی از شهر نورند

حسین جانم گلی گشته فدایت

تمام هستی‌اش داده به پایت

بین ای بی‌کفن، ارباب عطشان

بیامد زائری از کربلایت